

## کاربرد و جایگاه گاهنگاه سنجاق قفلی

### با تکیه بر جایگاه گاهنگاران آن در مطالعات باستان‌شناسی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸)

فهمیه شیخ‌شعاعی<sup>۱</sup>

#### چکیده

سنجش زمان در باستان‌شناسی اهمیت زیادی دارد. گاهنگاری در این دانش شامل مجموعه‌ای از محاسبه‌ها برای تعیین و منظم کردن زمان (مطلق یا نسبی) وقایع و آثار مورد مطالعه است. تعیین گاهنگاری نسبی در باستان‌شناسی با روش‌های مختلف انجام می‌شود و این روش‌ها به طبیعت آثار یعنی نوع داده‌هایی که در اختیار باستان‌شناس است، بستگی دارد. یکی از این داده‌های باستانی که در روزگار معاصر همچنان استفاده می‌شود، «سنجاق قفلی» است. این داده فرهنگی موجود در محوطه‌های باستانی، معیاری برای گاهنگاری نسبی به حساب آمده است و شبیه سفال، جدای از کاربردی که برای مردمان باستان داشته، اطلاعاتی بیشتر به محقق باستان‌شناس می‌دهد. تاریخ‌گذاری، ردیابی، ترسیم ارتباطات تجاری و مطالعات فرهنگی از طریق بررسی سنجاق قفلی امکان‌پذیر است زیرا در طول تاریخ به محض اینکه افراد متفاوت نحوه ساخت و استفاده‌اش را یاد گرفتند، آن را مناسب با فرهنگ و نیازهای زیبایی‌شناختی‌شان، به لحاظ سبک‌شناسی، گسترش دادند.

در این مقاله اهمیت گاهنگاران سنجاق قفلی باستانی در کنار سایر ویژگی‌های این داده فرهنگی با روش کتابخانه‌ای و اسنادی بحث و بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: سنجاق قفلی، گاهنگاری سنجاق قفلی، فیولا، سنجاق قفلی در یونان باستان،

سنجاق قفلی در خاورمیانه، سنجاق قفلی در ایران باستان

---

۱. دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی از دانشگاه تهران. رایانامه: sheikhshoae@alumni.Ut.ac.ir

## مقدمه

بازسازی گاهنگارانه<sup>۱</sup> یافته‌ها، یکی از وظایف پژوهش‌های باستان‌شناسی است. در همین راستا اگر اطلاعات مستقیم مثل توالی لایه‌نگاری، مدارک نوشتاری یا سکه‌ها و منابعی چون داده‌های مناسب برای رادیو کربن یا دندروکرونولوژی، در دسترس نباشند لازم است تا حدودی اطلاعات گاهنگارانه نسبی را از یافته‌های بدست آمده در طی حفاری، کسب کرد. عملاً، برخی ویژگی‌ها و ترکیبات خاص (برای مثال ویژگی‌های تزئینی یا روش‌های مورد استفاده در تولید) در انواع مشخص و بخصوصی از برهه‌های زمان مورد استفاده بوده‌اند (رابینسون، ۱۹۵۱: ۲۹۳-۳۰۱). از جمله، بحث در جزئیات تزئینات پوشیده شده در عصر مفرغ<sup>۲</sup> که بسیار متنوع است و هرچند هر کدام از آنها در گروه‌های محلی خاص خود قرار دارند، اما می‌توانند به عنوان بهترین شاخص در یادآوری فرهنگ‌های متعدد و حتی ارتباطات فرهنگی باشند یا همانند راهنماهای گاهنگارانه فوق‌العاده ارزشمند، به خدمت درآیند (چایلد، ۱۹۳۰: ۱۰۵).

## پیشینه پژوهش

افراد کمی هستند که تاریخ طولانی سنجاق قفلی را، که در برخی مناطق اروپا حتی قدمتش به قرن سیزدهم ق.م برمی‌گردد، بدانند. در واقع، باستان‌شناسان به این امر واقفند که سنجاق قفلی‌ها که از نظر فنی «فیبول»<sup>۳</sup> نامیده می‌شوند، ابتدا در عصر مفرغ اروپا اختراع شدند. بعدها نمونه‌های مشابهی از آنها در خاورمیانه و در محوطه‌های باستانی سوریه، فلسطین، آناتولی، اورارتو، آشور و ایران نیز به دست آمد که مربوط به ربع اول هزاره اول (اواخر قرن هشتم ق.م) بود (موسکارلا، ۱۹۶۵: ۳۴). امروزه، باستان‌شناسان به خوبی اهمیت سنجاق قفلی را به عنوان یک شاخص گاهنگاری و نشانگر حرکات و جابجایی‌های فرهنگی و قومی می‌دانند (همان، ۲۰۱۳: ۷۶۷). سنجاق قفلی شبیه سفال، اطلاعاتی بیشتر از کاربردی که برای مردمان باستان داشته، به محقق

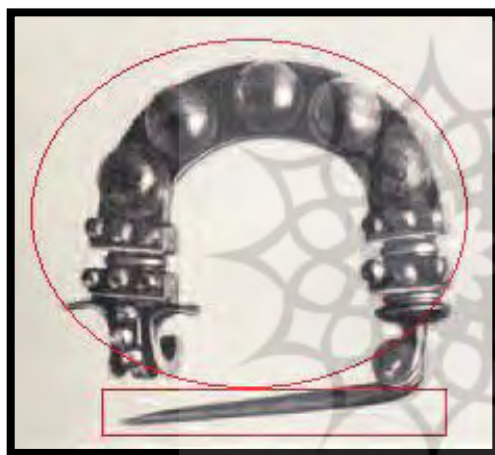
۱. تاریخ‌گذاری یا تعیین قدمت اشیای باستانی.

2. Bronze

3. Fibula

## کاربرد و جایگاه سنجاق قفلی ❖ ۱۳۵

باستان‌شناس می‌دهد. اگر سنجاق قفلی دارای علامت مشخص‌کننده هویت باشد، می‌تواند تقریباً به خوبی، تاریخ و ناحیه ساختش را به باستان‌شناس نشان بدهد. این شیء همچنین اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ ارتباطات فرهنگی افرادی که سنجاق قفلی محلی آنها، به عنوان یک عنصر تجاری، در سرزمینی بیگانه یافت شده، با ساکنان آن سرزمین، بدست می‌دهد. برای تاریخ‌گذاری و ردیابی یا ترسیم ارتباطات تجاری نیز، سنجاق قفلی کاربرد دارد؛ زیرا به محض اینکه افراد متفاوت نحوهٔ ساخت و استفاده‌اش را یاد گرفتند، سنجاق قفلی‌ها را مناسب با فرهنگ و نیازهای زیبایی‌شناختی‌شان، به لحاظ سبک‌شناسی، تغییر و گسترش دادند (همان، ۱۹۸۴: ۳۹).



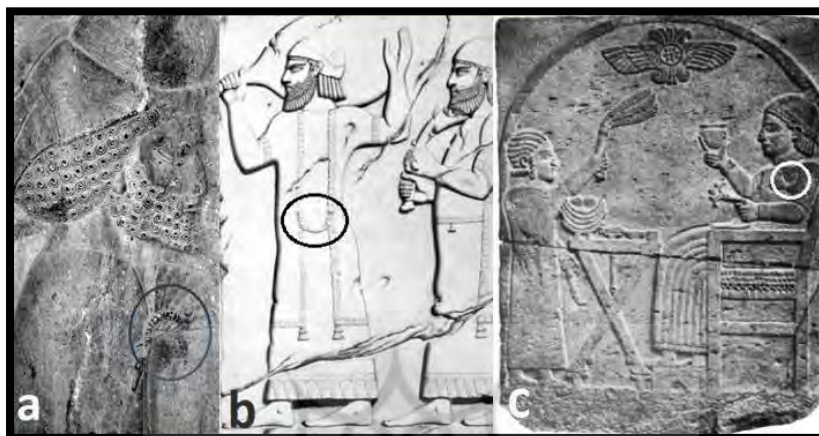
امروزه، سنجاقی که دارای یک مکانیسم فنری ساده و یک قزن قفلی (چفت) است، سنجاق قفلی نامیده می‌شود. به طور کلی در طول تاریخ، سنجاق قفلی‌ها دارای دو قسمت بوده‌اند: قسمت اول، میله‌ای افقی و قسمت دوم بازوی سنجاق (تصویر ۱) که عمده تزئینات سنجاق در این قسمت قرار دارد. چفت سنجاق که در قسمت بازوی آن قرار دارد، دارای دو کارکرد است: ۱. وصل کردن سنجاق به چیزی که

تصویر ۱. سنجاق قفلی مفرغی فریژی، اواخر قرن ۸ ق.م، گوردیون، طول ۵ س، قسمت پایین، میله افقی و قسمت بالا، بازوی سنجاق

مورد نیاز است ۲. به شکل یک حلقه بسته، مناسب پوشاندن انتهای نوک تیز سنجاق. (سایت ویکی‌پدیا)

سنجاق‌های قفلی روی لباس نصب می‌شدند. شاید یکی از بهترین نمونه‌های نشانگر نحوهٔ استفاده از سنجاق قفلی در ایران، یکی از نقوش برجسته پلکان شرقی آپادانا در تخت جمشید است، جایی که هیئت نمایندگی کاپادوکیه‌ای‌ها بار می‌یابند و نحوهٔ نصب این سنجاق‌ها را روی لباس می‌توان دید. افراد این گروه شنل‌های کوتاهی

بر تن دارند که زیر شانه راستشان سنجاق شده است (کُخ، ۱۳۸۶: ۱۲۸). در زیر چند نمونه از کاربرد سنجاق قفلی بر روی لباس نشان داده شده است (تصویر ۲).



تصویر ۲. نحوه نصب سنجاق قفلی روی لباس

در تصویر بالا **a**: یکی از اعضای هیئت کاپادوکیه، نقش برجسته ایوان شرقی آپادانا، تخت جمشید، قرن پنجم ق.م (ایران)؛ **b**: یکی از اعضای هیئت آورندگان خراج، اهل فریژی، حجاری کاخ خورساباد، اواخر قرن هشتم ق.م (سوریه)؛ **c**: نقش برجسته یک ملکه از زنجیرلی، قرن هشتم ق.م (سوریه) (موسکارلا، ۲۰۱۳: ۷۷۴ - ۷۷۵ و ۷۷۹ شکل‌های ۱ و ۷)

سنجاق قفلی‌های باستانی از نظر ساختار به طور کلی دو نوعند:

- نوع اول، سنجاق قفلی دو قسمتی‌ای است که در اصل شامل دو سنجاق مستقیم است که یکی از این سنجاق‌ها شکل قوس یا هلال گرفته و یک سوراخ در انتهایش دارد. نوک این سنجاق با خم شدن، شکل یک قلاب کوچک (گیره) به خود گرفته است. انتهای سنجاق دوم، داخل سوراخ جایگیر شده، در حالی که نوکش روی زبانه قرار گرفته است. در این نوع سنجاق قفلی هیچ فنری وجود ندارد و هر دو سنجاق سیال هستند (تصویر ۳). نام دیگر این نوع سنجاق قفلی، «لولادار» است.

## کاربرد و جایگاه سنجاق قفلی ❖ ۱۳۷



تصویر ۳. a: طرح یک سنجاق قفلی دو قسمتی، دانمارک، طول ۷,۱ س b: سنجاق قفلی فنری مفرغی، قرن ۱۱ ق.م، موزه ملی باستان‌شناسی آتن (در سایت موزه ان.آ.رای)

• نوع دوم سنجاق قفلی، مشابه سنجاق قفلی‌های مدرن امروزی، از یک سنجاق مستقیم اصلی تشکیل شده است که در میانه به شکل یک فنر خم شده است. یک سر آن سنجاق است، در حالی که سر دیگرش، برای قرار گرفتن سنجاق در قلاب داخل آن، خم شده است. فنر کشش یا فشار ایجاد کرده است (تصویر ۳). نام دیگر این نوع سنجاق قفلی، «فنری» است (همان: ۳۴-۳۵).

دو نوع سنجاق قفلی (یک تکه و دو تکه) به نظر مستقل و جدای از هم

هستند، اما اولین نشانه‌های به کارگیری هر دو در محدوده زمانی مشابهی، در عصر مفرغ و تقریباً در حدود ۱۳۵۰ ق.م بود: سنجاق قفلی یک تکه از ایتالیا، بوهمییا<sup>۱</sup> یا در آخرین تئوری، از یونان میسنی<sup>۲</sup> نشأت گرفت و سنجاق قفلی دو تکه در همان زمان در دانمارک پیدا شد. در نتیجه این موضوع که این دو نوع سنجاق قفلی مستقل از هم و به صورت خود انگیخته رشد کرده باشند، غیر ممکن است (چایلد، ۱۹۳۰: ۱۱۲). البته این نکته در خور توجه است که سنجاق قفلی یک تکه در اروپای مرکزی، ایتالیا و یونان یافت شده؛ اما در شمال اروپا به دست نیامده است. از سوی دیگر سنجاق قفلی دو تکه هم در شمال و هم مرکز اروپا پیدا شده با این تفاوت که مقدار کمی در اروپای مرکزی و ایتالیا به دست آمده و به وضوح اینها از شمال اروپا به آنجا وارد می‌شده است (موسکارلا، ۱۹۶۵: ۳۵).

۱. Bohemia: یکی از سه ناحیه تاریخی جمهوری چک واقع در اروپای مرکزی.

۲. Mycenaean Greece: تمدن میسنی، حدود ۱۴۰۰ الی ۱۱۰۰ پیش از میلاد در یونان برقرار بود.

برخی محققان مثل ساندوال<sup>۱</sup> در کتاب «فیبولاهای قدیمی ایتالیایی»<sup>۲</sup> و کوزینا<sup>۳</sup> در کتاب «تاریخ آلمان»<sup>۴</sup> بحث کرده‌اند که نوع سنجاق قفلی دو تکه‌ای (لولادار) شمالی از لحاظ سبک و قدمت (گاهنگاری)، قدیمی‌تر از نوع یک تکه‌ای (فنری) است. بنابراین طبق نظر این نویسندگان، اختراع سنجاق قفلی به شمال اروپا برمی‌گردد و به طور متناوب به جنوب و جنوب شرق، جایی که سنجاق قفلی یک تکه (فنری) برتری داشت، انتشار یافته است (ساندوال، ۱۹۴۳ و کوزینا، ۱۹۳۴). هر چند، ارزیابی اخیر گاهنگاری اروپا<sup>۵</sup> (سایت اطلس جهانی) به نظر ظهور سنجاق قفلی دو تکه‌ای (لولادار) را در شمال به بعد از ظهور سنجاق قفلی یک تکه‌ای (فنری) در جنوب می‌داند؛ بنابراین تئوری تقدم شمال نتوانست دوام بیاورد. علاوه بر این، محققان چندی ضرورت ارتباط مستقیم بین دو نوع سنجاق قفلی را زیر سؤال برده‌اند و بر بی ارتباط بودن این دو نوع تأکید کرده‌اند.

زمانی که مدارک، برای کشف زمان پیدایش (گاهنگاری) سنجاق قفلی یک تکه (فنری)، آزمایش شدند، این نتیجه به دست آمد که این نوع سنجاق قفلی، در دوره تراماره<sup>۶</sup> متأخر در ایتالیا و در دوره میسنی (III B) در یونان ظاهر شده است. معمولاً این دوره دومی به قرن سیزدهم ق.م تاریخ گذاری می‌شود. از آنجایی که هیچ سفال میسنی (یکی از بهترین اشیاء به کار رفته برای تاریخ گذاری عصر مفرغ قدیم) هنوز از شمال منطقه ناپل<sup>۷</sup> در ایتالیا بدست نیامده، ما نمی‌توانیم با اطمینان در مورد تاریخ گذاری‌ای که به فرهنگ‌های شمال ایتالیا نسبت داده شده، صحبت کنیم (موسکارلا، ۱۹۶۵: ۳۵). از

1. Sundwall
2. Die alteren italischen fibeln
3. Kossinna
4. Die deutsche Vorgeschichte
5. <http://www.worldatlas.com/webimage/countrys/eutimeIn.htm>
6. Terramare
7. Naples

## کاربرد و جایگاه سنجاق قفلی ❖ ۱۳۹

طرفی برخی محققان مثل بلینکنبرگ<sup>۱</sup> در کتابش «فیولاهای یونانی و شرقی»،<sup>۲</sup> همه سنجاق قفلی‌ها را ناشی از یونان میسنی می‌داند (بلینکنبرگ، ۱۹۲۶).

یک چیز واضح است، نخستین سنجاق قفلی‌ها در ایتالیا و یونان کاملاً مشابه و از یک نوع هستند؛ بنابراین فقط می‌تواند تولید یک مرکز باشند. از آنجایی که هیچ جایی در اروپا وجود ندارد که بتواند ادعا بکند، سنجاق قفلی را قبل از شناخته شدنش در یونان تولید می‌کرده، در نتیجه حداقل در حال حاضر باید منشأ یونان میسنی را برای سنجاق قفلی‌ها در نظر بگیریم.

هر چند، در همان زمان، باید پیشرفت جداگانه سنجاق قفلی در اروپای شمالی (یعنی اختراع سنجاق قفلی دو تکه) را مد نظر داشت که ممکن است نتیجه اختراعی مستقل، یا شکلی متأثر از جنوب باشد. در واقع تئوری منشأ میسنی بدون مشکل هم نبوده است. به نظر، سنجاق قفلی‌ها مدت‌زمان کوتاهی قبل از نابودی تمدن میسنی، که در قرن دوازدهم ق.م، به وسیله دورین‌ها اتفاق افتاد، ظاهر شدند و درست بعد از نابودی تمدن میسنی و در دوره‌های بعد از آن بود که استفاده از سنجاق قفلی رایج شد (موسکارلا، ۱۹۸۴: ۳۵). البته ذکر این نکته خالی از لطف نیست که در سال ۱۸۴۹ م، مکانیکی آمریکایی به نام والتر هانت<sup>۳</sup> توانست طرح ایجاد سنجاق قفلی‌های امروزی را به نام خود ثبت کند (شرکت مارشال کاوندیش، ۲۰۰۷: ۸۴۵).

### روش مورد استفاده

این پژوهش با تکیه بر مدارک و اطلاعات به دست آمده از مقالات و کتاب‌های مختلف مرتبط صورت گرفته است؛ به عبارت دیگر روش این پژوهش مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنتی بوده است.

1. Blinkenberg
2. Fibules Grecques et Orientales
3. Walter Hunt



## کاربردها و جایگاه سنجاق قفلی در فرهنگ مردم

گفتنی است که توجه گاهنگاران باستان‌شناسان به سنجاق قفلی، تنها محدود به مسئله تعیین منشأ مکانی آنها در اروپا نیست؛ بلکه گسترش و توزیع جغرافیایی، فرهنگ، چگونگی کاربرد و اهمیت و نیز انواع مورد استفاده آن از سوی نیاکان ما، دارای اهمیت است.

در ابتدا، سنجاق قفلی برای بستن و محکم کردن دو لبه جامه و لباس (شبیبه به دکمه امروزی)، یا برای بستن بالا و پایین لباس به هم، به کار می‌رفت (چایلند، ۱۳۹۰: ۱۰۵)؛ چرا که استفاده از یک سنجاق صاف بدون گیره برای این کار خطرناک بود. با وجود این در برخی مناطق، سنجاق‌های صاف ته‌گرد و سنجاق قفلی‌ها با هم و همزمان در پوشاک و لباس‌ها استفاده می‌شدند. از آنجایی که سنجاق قفلی‌های به‌کار رفته در لباس‌ها در معرض دید قرار داشتند، در یک محدوده کوتاه زمانی، به اشیاء تزئینی بدل شدند و عملکردی به عنوان جواهرات پیدا کردند. برای مثال به نمونه‌های ماهرانه سنجاق قفلی مفرغی بویوتیایی<sup>۱</sup> در یونان (تصویر ۴) و سنجاق‌های قفلی طلائی اتروسکی<sup>۲</sup> (تصویر ۵) نگاه کنید.



تصویر ۴. طرح دو سنجاق قفلی مفرغی ژئومتریک قدیم از بویوتیا، یونان، اواخر قرن ۸ ق م، طول: ۱۵/۵ سانتیمتر؛ ۱۳/۵ سانتیمتر

۱. Boeotia: نام منطقه‌ای در یونان باستان.

2. Etruscan



## کاربرد و جایگاه سنجاق قفلی ❖ ۱۴۱



تصویر ۵. دو سنجاق قفلی طلایی اتروسکی: (a) قرن ۷ ق.م، موزه ام. اچ. دیونگ،<sup>۱</sup> سانفرانسیسکو؛<sup>۲</sup> (b) نیمه قرن ۷ ق.م، رم، موزه واتیکان<sup>۳</sup> (در سایت موزه اتروسکی)



استفاده تزئینی دیگر سنجاق قفلی‌ها، به روی قلاب برخی کمربندها در سوریه، آنکارا، گوردیون<sup>۴</sup> و افسوس<sup>۵</sup> (دو شهر تاریخی در ترکیه) و چیوس<sup>۶</sup> (جزیره‌ای تاریخی در یونان) (موسکارلا، ۲۰۱۳: ۷۸۰) مشاهده شده است (تصویر ۶). در این کمربندها، از قسمت کمان سنجاق قفلی، در انواع متفاوت اشکال تزئینی، به عنوان قلاب کمر بند استفاده می‌شد (همان، ۱۹۶۵: ۳۶).

تصویر ۶. نقش برجسته از ماراش (سوریه)، قرن هشتم ق.م، استفاده از سنجاق قفلی به عنوان قلاب کمر بند

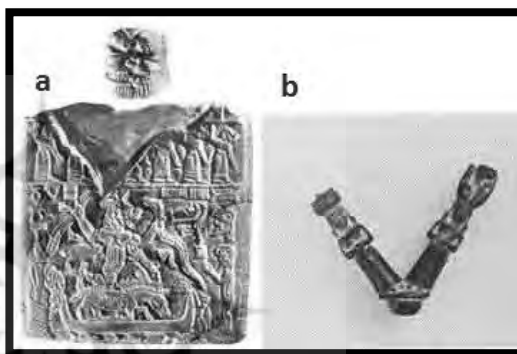
باستان‌شناسان به استفاده جالب و فریبده تری از سنجاق قفلی‌ها، مخصوصاً در نواحی یونانی، در بسیاری از مناطق مقدس و حرم‌ها، به عنوان هدایای

1. M.H. deYoung
2. <http://deyoung.famsf.org>
3. [http://www2.cnr.edu/home/araia/Vergil\\_Camilla.html](http://www2.cnr.edu/home/araia/Vergil_Camilla.html)
4. Gordion
5. Ephesus
6. Chios

## ۱۴۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

نذری برای خدایان و الهه‌ها پی بردند که هم با تعداد وسیع سنجاق قفلی‌های یافت شده در حرم‌ها و هم به وسیله متون نوشتاری باستانی و ثبتیات کتیبه‌ای نشان داده شده است؛ برای مثال، در یک معبد در جزیره ردوس<sup>۱</sup> در حدود ۱۱۶ سنجاق قفلی در بقایای نذری یافت شد و نیز در میان ریزترین بقایای حرمی که در افسوس واقع است، تکه‌هایی از فویل نازک فلزی طلا و نقره‌ای بریده شده به شکل سنجاق قفلی، یافت شد. اما این موارد مشابه ذکر شده، نمی‌تواند این امکان که این اشیاء تنها برای هدف وقف ساخته شده بودند را بیان کند (همان: ۳۸ و ۳۶).

علاوه بر این، در نیمروود در امپراطوری آشور، یک پلاک سنگ آهک یافته شد که در روی آن یک خدا یا جن مونث را نشان می‌دهد که بوسیله اشیایی احاطه شده، یکی از این اشیاء به نظر یک سنجاق قفلی است. همان‌طور که برخی از محققان پیشنهاد می‌دهند، اگر این اشیاء، هدایای نذری برای خدا باشند، پس می‌توان گفت که آشوری‌ها نیز به خوبی یونانیان سنجاق قفلی را می‌شناختند



تصویر ۷. a: تعویذ سنگ آهکی از نیمروود، قرن هفتم ق.م، مدرسه بریتانیایی باستان‌شناسی در عراق، b: سنجاق قفلی مفرغی آشوری، ارتفاع ۲ در ۵ س، قرن ۷ ق.م، موزه هنر متروپولیتن (در سایت موزه متروپولیتن)

(تصویر ۷) و این شی برایشان ارزش مذهبی و نذری نیز داشته است (همان: ۳۸). همچنین این شی، در یک آرامگاه، جایی که شخص مرده با خدایانش در تماس است نیز، دارای برخی ارزش‌های خاص بود. برای مثال فرد مدفون در زیر تومولوس بزرگ در گوردیون، با ۲۷ عدد سنجاق قفلی در اطراف بدنش و یک کیسه حاوی ۱۴۵ عدد سنجاق قفلی در نزدیکی تابوتش، به خاک سپرده شده بود و نیز در کنار بدن یک

## کاربرد و جایگاه سنجاق قفلی ❖ ۱۴۳

دختر بچه سه یا چهار ساله در یک قبرستان رومی متأخر ۹ عدد سنجاق قفلی یافت شده است. مثال‌های متعدد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد تعداد سنجاق قفلی‌های به‌کار رفته برای تزئین یک شخص مرده، بسیار بیشتر از آن تعدادی است که وی در طول زندگی‌اش استفاده کرده است (همان: ۳۸-۳۹).

### مراکز اولیه و گستره جغرافیایی سنجاق قفلی

به طور کلی، نشانه‌های اولیه استفاده از سنجاق‌ها، از شرق و غرب دنیای باستان به‌دست آمده است. برای مثال، وجود این نوع پوشش در میان سومری‌ها و نیز اهالی پیش از تاریخ دانمارک اثبات شده است. سنجاق‌ها و لباس‌های مرتبط با آنها، در بین‌النهرین از زمان سومری‌ها پوشیده می‌شدند و سپس در میان مردمان آسیای صغیر و آناتولی رایج گشتند. همچنین سنجاق‌ها به طور مستقل در سیکلاد و سرزمین اصلی یونان در طول دوران اژه اولیه، مورد استفاده بودند و عمدتاً در شکلی ابتدایی و خیلی اندک، در کرت نیز به‌کار می‌رفتند (چایلد، ۱۹۳۰: ۱۰۵).

همانطور که بیان شد قدیمی‌ترین نشانه‌های استفاده از سنجاق قفلی‌ها در برخی مناطق اروپا است. اما در مورد مکان واقعی اختراع آنها توافق وجود ندارد؛ چرا که رسیدن به تاریخ‌گذاری قطعی مکان‌هایی که سنجاق قفلی‌ها ابتدا از آنجا به‌دست آمده‌اند، مانند دوره تراماره متأخر در شمال ایتالیا، دوره IIB عصر مفرغ در شمال اروپا و دوره IIIB میسنی قدیم در یونان، آسان نیست. تمامی این دوره‌ها، بر اساس ارتباطات با خاورمیانه، آناتولی و مصر، اشیاء تجاری رد و بدل شده با این نواحی و البته همچنین بر اساس ارتباطات فرهنگی میان خود مناطق اروپایی، تاریخ‌گذاری شده‌اند. بنابراین مراکز مبدأ گوناگونی برای سنجاق قفلی‌ها، پیشنهاد داده شده است؛ از جمله شمال اروپا یا منطقه اسکاندیناوی، مرکز اروپا، شمال ایتالیا و نیز یونان به عنوان جایگاه اصلی سنجاق قفلی اولیه مورد قبول و قابل دفاع بوده‌اند (موسکارلا، ۱۹۶۵: ۳۴).

همچنین استفاده از سنجاق قفلی در شرق یونان از طریق جزایر به قبرس و خاورمیانه رسید و مجموعه‌ای کاملاً متفاوت از انواع سنجاق قفلی به‌وجود آمد. به‌علاوه زمانی که فریژی‌ها از طریق نواحی اژه و قبرس با سنجاق قفلی آشنا شدند و آن را به آناتولی در نیمه دوم قرن ۸ ق.م بردند، آنها نیز انواع معجزا و مشخص خودشان را تولید کردند (همان: ۳۹).



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی ظهور و گسترش سنجاق قفلی در جهان باستان

### نگاهی به سیر تحولی سنجاق قفلی در شرق باستان و ارزش گاهنگارانه آن

سنجاق‌ها از جمله یافته‌های فرهنگی‌ای هستند که از اغلب محوطه‌های باستانی خاورمیانه به دست آمده‌اند و جزء اشیاء تزئینی به شمار می‌روند. برخی محققان هم این سنجاق‌ها را در شمار اشیاء تشریفاتی و نذری می‌دانند (واندنبرگ، ۱۳۷۹: ۹۱).

آنها از لحاظ شکل ظاهری به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱- **سنجاق‌های میله‌ای:** در اصطلاح انگلیسی پین (نامیده می‌شوند. آنها از دو قسمت تشکیل شده‌اند (تصویر ۸): قسمت اول سرسنجاق که با نقش‌های مختلف هندسی، گیاهی، حیوانی، انسانی و اسطوره‌ای تزئین شده است و قسمت دوم میله عمودی است (موری، ۱۳۷۹: ۱۰۶).



تصویر ۸. سنجاق میله‌ای مفرغی با سرسنجاق حیوانی به شکل اردک، سرخ دم لرستان،

اندازه ۲۰/۶ سانتی‌متر

## کاربرد و جایگاه سنجاق قفلی ❖ ۱۴۵

**۲- سنجاق‌های قفلی:** در اصطلاح انگلیسی Safety Pin نام دارند. از لحاظ فنی سنجاق قفلی‌های باستانی «فیولا» نامیده می‌شوند (موسکارلا، ۱۹۶۵: ۳۴).

ظهور سنجاق قفلی‌ها در خاور نزدیک، مربوط به بعد از پیشروی غرب در قبرس، فلسطین و سوریه است. سنجاق قفلی‌ها در ایران و بین‌النهرین تا قبل از اواخر قرن هشتم ق.م ناشناخته‌اند؛ اوج رواج آنها مربوط به قرن هفتم ق.م است (استروناخ، ۱۹۵۹: ۱۸۱-۱۸۵). تقریباً در تعداد بسیار کمی از محوطه‌های باستانی ایران سنجاق قفلی تولید می‌شده البته این کمبود ممکن است به دلیل محدود بودن تعداد محوطه‌های حفاری شدهٔ مربوط به قرون ۷ و ۸ ق.م در ایران باشد (موسکارلا، ۱۹۶۵: ۲۳۳-۲۴۰).

سنجاق قفلی‌های مورد استفاده در ایران در قسمت بازویشان با کمان‌های نیم‌دایره‌ای، طاقی یا مثلثی شکل، از همان نوعی هستند که در فلسطین و سوریه و بین‌النهرین به‌کار می‌رفتند. بیشتر این سنجاق قفلی‌ها با استفاده از یک فنر که به دور انتهای سنجاق می‌پیچید، ایجاد شده‌اند و اگر فنر نداشتند، اغلب سنجاق به صورت جداگانه‌ای ساخته و در داخل یک حفره در انتهای کمان جایگیر شده بود. این نکته قابل ذکر است که این ویژگی، در بیشتر سنجاق قفلی‌های فریژی نیز مشاهده شده است (بلینکنبرگ، ۱۹۲۶: ۲۰۵). چرا که بیش از ۶۰۰ عدد سنجاق قفلی‌ای که از حفاری‌های گوردیون، به‌وسیله موزه دانشگاه پنسیلوانیا به‌دست آمد نیز، از نوع «سنجاق قفلی دو تکه» هستند. هر چند سنجاق‌های قفلی به‌دست آمده از دو منطقه فریژی و خاور نزدیک برخی نقاط مشترک در قالب ریزی قسمت بازوی سنجاق قفلی را نشان می‌دهند، با وجود این در نوع‌شناسی آنها، هیچ ارتباط اساسی و ریشه‌ای وجود ندارد و ممکن است فریژی‌ها روش سنجاق جدا را از قبرس و سوریه، جایی که به نظر اولین نمونه این نوع سنجاق قفلی، زودتر از فریژی‌ها ظاهر شد، یاد گرفته باشند. پس به نوعی سنجاق قفلی‌های فریژی و بین‌النهرین - سوریه از انواع سنجاق قفلی اژه‌ای و قبرسی الهام گرفته شده بودند (موسکارلا، ۱۹۶۵: ۲۳۳).

برای اولین بار دو محقق به نام‌های بلینکنبرگ و استروناخ صدها سنجاق قفلی را از خاورمیانه در انواع مختلف طبقه‌بندی و ثبت کردند. این سنجاق قفلی‌ها، در شکل‌ها و انواع بی‌شماری وجود داشتند؛ برخی نیم‌دایره، یا قوسی شکل با هر دو نوع بازوی ساده و برجسته‌کاری‌شده، برخی دیگر، به مراتب معمولی‌تر بودند و همه جا وجود دارند که

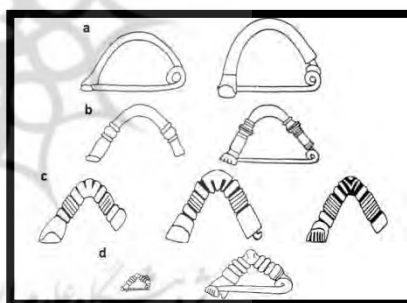
## ۱۴۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

همان سنجاق قفلی‌های با بازوی مثلی شکل هستند (غالباً به سنجاق قفلی‌های زانویی یا سه گوشه اشاره دارند)، تعداد زیادی از آنها نیز با بازوهای دایره‌ای شکل (دیسک مانند)، راه‌راه و برجسته‌کاری وجود داشتند. تعداد چشمگیری از آنها نیز به شکل دست انسان، بریده و شکل گرفته بودند. به درستی زمان ظهور اولین سنجاق قفلی با گیره دست مانند، نامشخص و غیر قطعی است؛ اما این نوع سنجاق قفلی تا قبل از قرن هشتم ق.م در هیچ‌جا مشاهده نشده است (همان، ۲۰۱۳: ۸۰۵).

بر اساس گزارش استروناخ، اولین سنجاق قفلی‌های شرق مدیترانه، که وی از آنها با عنوان Violin Bow (به معنی سنجاق‌های با بازوی ویلون شکل) یاد می‌کند، در طول قرن ۱۴ ق.م در ایتالیا و یونان گسترش و در قرن ۱۳ ق.م به شرق راه یافتند. پس از این شکل، سنجاق‌های با بازوی مثلی شکل گسترش یافتند و در نهایت سنجاق‌های قفلی دارای بازوی گرد نامتقارن در اواخر قرن ۱۱ و ۱۲ ق.م در مناطقی همچون لوانت ظاهر شدند، اما عمر این گروه بسیار کم بود و آثار آنها تنها در مناطق اندکی مثل قبرس به دست آمده است (استروناخ، ۱۹۵۹: ۱۸۱-۱۸۵).

استروناخ بر اساس دو معیار فرم و شکل، سنجاق قفلی‌های خاورمیانه را به چهار گروه اصلی طبقه‌بندی کرده است:

- a - سنجاق قفلی‌ها با بازوی نیم‌دایره.
- b - سنجاق قفلی‌ها با بازوی قوسی شکل.
- c - سنجاق قفلی‌ها با بازوی سه‌گوش.
- d - سنجاق قفلی‌ها با بازوی سه‌گوش



تصویر ۹. سنجاق‌های قفلی خاورمیانه بر اساس چهار گروه اصلی طبقه‌بندی شده از سوی استروناخ

برجسته در قسمت رأس (تصویر ۹) (استروناخ، ۱۹۵۹: ۱۸۳-۱۸۴).

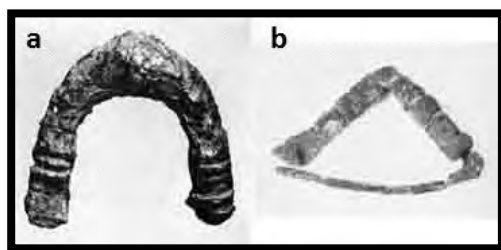
استروناخ معتقد است که سنجاق‌های

قفلی با بازوی سه‌گوش (نوع c)، که نمونه آن در قبر B185-3 ورکبود (ایلام) یافت شده، در ایران بیشتر رایج بوده و احتمالاً از بین‌النهرین به ایران راه یافته است. تمام سنجاق‌های یافت شده از حفاری‌های پشت‌کوه لرستان، در این گروه قرار دارند که در قرن ۸ ق.م



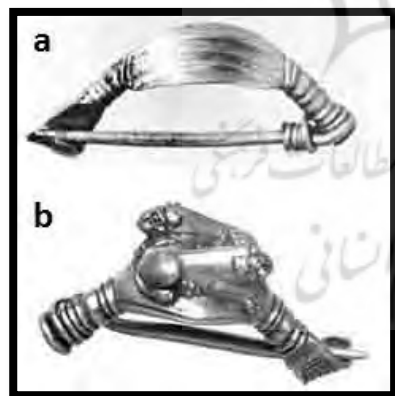
## کاربرد و جایگاه سنجاق قفلی ❖ ۱۴۷

عمومیت یافتند و از قرن ۷ ق.م به این سو و در تمام دوران هخامنشی باقی ماندند (هائربینخ و اورلات، ۲۰۰۴: ۷۳).



تصویر ۱۰. a: سنجاق قفلی مفرغی حسنلو، ارتفاع ۳,۵، عرض ۴ سانتیمتر؛ b: سنجاق قفلی فنری آرنجی شکل مفرغی، از اواخر دوره ماد، نوشیجان تپه، طول در حدود ۴,۲۶ سانتیمتر

بازوی سنجاق قفلی، U شکل است و در مرکزش برآمدگی مشخصی دارد؛ گیره‌اش کوچک و ساده و یکدست با بازو قالب‌گیری شده است. سنجاقش، که احتمالاً از جنس سیمی مفرغی بوده، به‌دست نیامده است. انتهای سنجاق، به شکل لولا به دور یک سر بازوی سنجاق قفلی، پیچیده بوده؛ که بقایای حلقه‌اش هنوز قابل مشاهده است. برای ایجاد کشش یا قوه انبساط، هیچ فنری به‌کار نرفته است (موسکارلا، ۱۹۶۵: ۲۳۳).



تصویر ۱۱. a: سنجاق قفلی نقره‌ای از زیویه، موزه هنر متروپولیتن؛ b: سنجاق قفلی طلائی از زیویه، در حدود قرن ۷ ق.م (عصر آهن III)، ۱,۵ در ۳,۸۱ سانتیمتر (در سایت موزه متروپولیتن)

از دیگر انواع خاور نزدیکی سنجاق قفلی که در ایران مورد استفاده بوده، سنجاق قفلی‌ای مفرغی متعلق به مرحله سوم سکونت در تپه حسنلو، است (تصویر ۱۰).

بازوی سنجاق قفلی، U شکل است و در مرکزش برآمدگی مشخصی دارد؛ گیره‌اش کوچک و ساده و یکدست با بازو قالب‌گیری

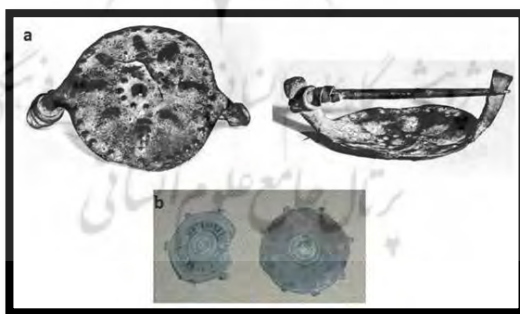
علاوه بر این، یک نوع لولادار در جنوب غرب مازندران و لرستان نیز دیده شده است. ظاهراً این نوع سنجاق قفلی، در تعداد کم از زیویه (معمولاً از جنس نقره و چند مورد طلائی) نیز به دست آمده است (گریشمن، ۱۹۵۰؛ ویلکینسن، ۱۹۶۰: ۲۱۹؛ گودارد، ۱۹۵۰: ۱۳۵ و ۱۹۵۱: ۲۴۰؛ ویلکینسن، ۱۹۶۳: ۲۸۲). بازوی سنجاق قفلی، در مرکز دارای قوسی پهن و در دو انتها تزیینات قالبی کوچک دنداندار دارد. انتهای سنجاق، یک بار بدور یک طرف بازو، پیچ خورده و



## ۱۴۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سپس با چندین گردش به دور خود سنجاق، محکم شده است. یک نمونه طلائی بی نظیر نیز از زیویه با دو شیر روی بازو که البته همان سنجاق پیچ خورده را هم دارد (تصویر ۱۱)، به دست آمده است (ویلکینسن، ۱۹۶۰: ۲۲۰).

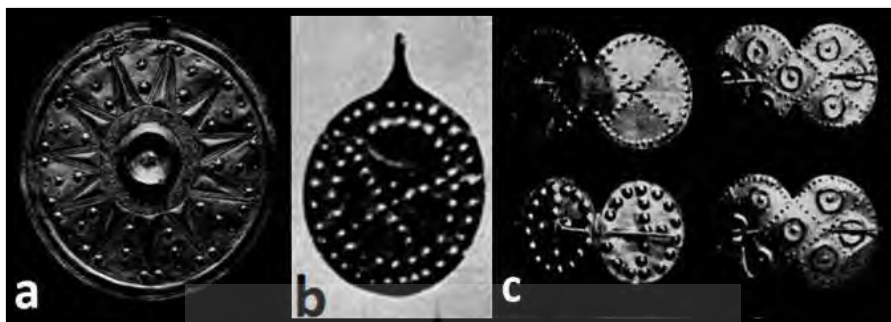
یک سنجاق قفلی لولادارِ جالب نیز، در بخش خاور نزدیک موزه دانشگاه پنسیلوانیا وجود دارد. این سنجاق قفلی در تهران از یک دلال، خریداری شده بود. سنجاق قفلی یک بازوی دایره‌ای شکل پهن دارد که در مرکز دایره این بازو، یک گل رزت، با یک نقطه مرکزی بزرگ که با نقطه‌های کوچک تر و هشت گلبرگ احاطه شده، قرار دارد. در اطراف لبه این بازوی دایره‌ای، یک ردیف از نقطه‌های بر آمده کوچک در حرکتند. گیره ساده است و سنجاق به همان شیوه‌ای که در مورد سنجاق قفلی لرستان و زیویه گفته شد، به بازو وصل شده است؛ جز اینکه در سنجاق قفلی تهران، سنجاق دوبار به دور بازو چرخیده است. مشابه این نوع سنجاق قفلی لولادار، نمونه دیگری نیز از جنوب غرب ناحیه مازندران، از دهکده‌ای از تومادجان گزارش شده است (موسکارلا، ۱۹۶۵: ۲۳۴). این نوع سنجاق قفلی‌های با بازوی دایره‌ای شکل، در میان سنجاق قفلی‌های یونان، ایتالیا و اروپا نیز دیده شده است (تصویر ۱۲). اما نبود شباهت کافی بین آنها، نمی‌تواند به ارتباط مستقیم بین آنها بینجامد (ساندوال، ۱۹۴۳: ۴۲؛ مورگان، ۱۹۲۷: ۲۹۴؛ شوانتز، ۱۹۰۹: ۱۴۵).



تصویر ۱۲. a: سنجاق قفلی مفرغی خریداری شده در تهران؛ b: قطعاتی از سنجاق قفلی‌هایی با بازوی دایره‌ای شکل مربوط به دوره رم (در سایت ویکی‌پدیا)

### کاربرد و جایگاه سنجاق قفلی ❖ ۱۴۹

دیسک‌های تزئینی، که با تزئینات پانچ شده مشابه نمونه سنجاق قفلی‌های تهران و تومادجان تزئین شده‌اند، از ایران، آسیای صغیر (تصویر ۱۳) و قفقاز نیز شناخته شده‌اند (تریس، ۱۹۶۲: ۲۱۹؛ هانکار، ۱۹۳۲: ۱۵۹؛ دولبسکیو، ۱۸۹۱: ۶۷).



تصویر ۱۳. a: مدال طلایی به دست آمده از شمال غرب ایران (در سایت موزه هنرهای زیبای بوستون)؛ b: آویز دایره‌ای شکل از آسیای صغیر؛ c: سنجاق‌های یافته شده از قبور سلاطین آلاجه‌ویوک (به تزئینات دایره‌ای پانچ شده روی این اشیاء توجه شود)

به نظر ماسکارلا، طبیعت لولا و الحاقاتش به بازو، ارتباط تیپولوژی بین سنجاق قفلی‌ها دارد و این ارتباط از نظر تاریخ‌نگاری به نمونه سنجاق قفلی لرستان و زیویه را نشان خواهد داد (ماسکارلا، ۱۹۶۵: ۲۳۴).

علاوه بر این، سنجاق قفلی‌های مفرغی دیگری از تپه‌های باستانی نوشیجان و گودین نیز به دست آمده است (تصویر ۱۰) که جزء گروه‌های طبقه‌بندی استروناخ قرار می‌گیرند.

تحقیقات جدیدتر، گاه‌نگاری پیشنهادی استروناخ درباره سنجاق قفلی، برای سوریه و بین‌النهرین را مستحکم‌تر و واضح‌تر ساخت. به‌علاوه، تازه‌ترین مطالعاتی که بر توزیع و گاه‌نگاری سنجاق قفلی‌ها از آناتولی، ایران و اورارتو تمرکز دارد نیز، نتایج به‌دست آمده قبلی را تأیید می‌کنند. این نتایج نشان می‌دهد که تولید و استفاده از هیچ سنجاق قفلی و در هیچ کدام از این مکان‌ها، تا پیش از قرن ۸ ق.م (قبل از زمانی که

سنجاق‌های میله‌ای مستقیم برای بستن لباس استفاده می‌شد) وجود نداشت (موسکارلا، ۲۰۱۳: ۸۰۶-۸۰۵).

### جمع‌بندی

سنجاق قفلی آشنای امروز که به نظر یک کالای ساده مورد استفاده روزانه در جهان مدرن است، هنگامی که از طریق چشمان باستان‌شناسان نگریسته می‌شود، اهمیت جدیدی می‌یابد و شأن حقیقی‌اش را در مجموعه موزه‌ها پیدا می‌کند. این داده فرهنگی باستانی و با ارزش، سیر کاربردی گوناگون و متفاوتی را از یک دکمه ساده تا سنجاق سینه قیمتی، قلاب کمر بند و ... داشته است. جدای از کاربردهای روزانه‌اش، ارزش نذری و معنوی آن همچنان ذهن باستان‌شناسان را به خود مشغول کرده است. گستره وسیع جغرافیایی سنجاق قفلی‌ها در کنار اشتراکات ساختاری یا تزیینی میان آنها نیز موضوعی بسیار تأمل‌برانگیز است.

از طرفی، همان‌طور که ذکر شد، سنجاق قفلی‌ها معیاری برای گاهنگاری نسبی در محوطه‌های باستانی هستند و با این هدف، باستان‌شناسان مطالعات وسیعی بر روی انواع سنجاق‌های قفلی انجام داده‌اند و آنها را در اشکال مختلف طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری کرده‌اند.

تحقیق و بررسی دانشمندان، بر روی تمامی اطلاعات به دست آمده از کاوش‌ها، مدرکی قطعی بر این واقعیت است که حضور یک سنجاق قفلی در بستر بسته یا طبقه‌بندی شده در خاور نزدیک، حداقل در مناطق شرق منطقه مدیترانه شرقی، به معنای تاریخی در حدود قرن ۸ ق.م یا بعد از آن است و فقط کشف و ظهور یک سنجاق قفلی در تاریخی جدیدتر از خاورمیانه است که می‌تواند این نتیجه‌گیری‌ها را تغییر دهد.

## کاربرد و جایگاه سنجاق قفلی ❖ ۱۵۱

### منابع

- کنخ، هاید ماری (۱۳۸۶). از زبان داریوش. ترجمه پرویز رجبی، تهران: کارنگ.
- موری، پیتر. راجر. استیوارت (۱۳۷۹). زیر خاکی های مفرغی قدیم ایران، ترجمه علی داب بیگی، کرمانشاه.
- واندنبرگ، ل. (۱۳۷۹). باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- Blinkenberg, C. (1926) "Lindiaka, v, les Fibules Grecques ET Orientales" (**Historiske-filologiske meddelelser XIII, i**) Copenhagen, Vol. 13, Issue 1.
- Childe, V. G. (1930) **the Bronze Age**, Cambridge University Press, Fetter Lane, London, PP. 105, 112.
- De Morgan, J. (1927) **La prehistoire orientale**, III (Paris 1927) 294, fig. 291, 5 and 6.
- Dolbeschew, W. J. (1891) **Ausgrabungen auf der Graberfeldern von Kumbulta in Digonen** (KauKasus), MAG 21, p. 67, fig. 96.
- Ghirshman, R. (1950) **Le tresor de Sakkez**, Artibus Asiae I3: 3, 197, fig. 23, left.
- Godard, A. (1950) **Le tresor de Ziwiye** (Haarlem 1950) p.135, n.128.
- Godard, A. (1951) **apropos du tresor de Ziwiye**, Artibus Asiae 14:4 (1951) p. 240 and passim.
- Haerinck, E. & Overlaet, B., (2004) **Luristan excavation documents**, The Iron age III at War Kabud Pusht-i Kuh, Acta Iranica, The Ghent university and the Royal Museums of art and history, Vol. V, p.73.
- Hancar, F. (1932) **Die Nadelformen der Kaukasusgebietes**, ESA 7, PP. 113-182. 159ff, figs. 23, 24, 28, 29.

- Kossinna, G. (1934) **Die deutsche Vorgeschichte: eine hervorragend nationale Wissenschaft**, Leipzig: Verlag von Curt Kabitzsch, 1934.

- Marshall Cavendish Corporation (2007) **Inventors and inventions**, New York: Marshall Cavendish, 2007, p. 845.

- Muscarella, O. W., (1964) "Ancient Safety Pins Their Function and Significance", **Expedition**, Vol. 6, Issue 2, pp. 34-40.

- Muscarella, O. W., (1965) **A Fibula from Hasanlu**, *AJA*, 69(3): 233-40.

- Muscarella, O. W., (1984) "Fibulae and chronology, Marlik and Assur", **field archaeology**, Vol.11, No 4, pp. 413-419.

- Muscarella, O. W., (2013) **Archaeology, Artifacts and Antiquities of the Ancient Near East; Sites, cultures, and proveniences; culture & history of the ancient near east, volum 62, LEIDEN.BOSTON 2013, 1088 pages, pp. 419, 774, 775, 779, 780, 782, 805, 806, 810.**

- Robinson, W.F., (1951) **A method for chronologically ordering archaeological deposits**. *Amer. Antiquity* 16, 293-301.

- Schwantes, G. (1909) **Die Gräber der ältesten Eisenzeit im östlichen Hannover**, *PZ I* (1909) 145f, figs. 23-25; *Fibules* 193f, type IX, 2, figs. 214-216.

- Stronach, D. (1959) **The development of the fibula in the near east, Iraq**, Vol. 21, No. 2 (autumn, 1959), pp. 180-206.

- Stronach, D. (1968) "Tepe Nush-i Jan: A Mound in Media", **The Metropolitan Museum of Art Bulletin**, New Series 27 (3): 177-186.

- Sundwall, J. (1943) "Die alteren italischen fibeln" (hereafter fibeln), **Archäologisches Institut des deutschen Reiches**, W. de Gruyter & Company, 1943.

- Terrace, E. L. B. (1962) **Some Recent Finds from Northwest Persia, Syria** 39, fascicule 3-4, pp. 212-224.

کاربرد و جایگاه سنجاق قفلی ❖ ۱۵۳

- Wilkinson, C. K. (1960) **More Details on Ziwiye, Iraq**, 22, pp.219, 220, pl. xxx, 4.
- Wilkinson, C. K. (1963) **Treasure from the Mannean Land**, BMMA (Apr.1963) p. 282.

عکس‌ها در تارنمای اینترنتی زیر:

[http://en.wikipedia.org/wiki/Safety\\_pin](http://en.wikipedia.org/wiki/Safety_pin)

<http://www.namuseum.gr/index-en.html>

<http://www.worldatlas.com/webimage/countrys/eutimeln.htm>

[http://www2.cnr.edu/home/araia/Vergil\\_Camilla.html](http://www2.cnr.edu/home/araia/Vergil_Camilla.html)

<http://www.metmuseum.org/search-results?ft=fibula&rpp=10&pg=17>

<http://www.metmuseum.org/>

[http://en.wikipedia.org/wiki/Safety\\_pin](http://en.wikipedia.org/wiki/Safety_pin)

<http://deyoung.famsf.org>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی